

## یادداشت

حجت‌الاسلام والمسلمین امیر سوادکوهی | محقق و نویسنده

## تخریب بهشت بقیع

بیش از یک قرن از واقعه شوم تخریب یکی از بزرگ‌ترین مراکز مذهبی و میراث فرهنگی جهان اسلام می‌گذرد، ولی متأسفانه همچنان



شاهد سکوت معنادار مجامع بین‌المللی در قبال میراث فرهنگی و دینی بیش از یک میلیارد مسلمان در سراسر جهان هستیم.

میراث ماندگاری که آن را جنت البقیع می‌نامند، قطعه‌ای از بهشت که قلب صدها میلیون عاشق و شیفته خاندان حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی (ص) برای آن می‌تپد و سکوت معنادار ۹۰ ساله مدیانی که ادعای احقاق حق‌شان گوش فلک را پُر کرده است، قلب هر انسان آزاده‌ای را می‌آزارد و جریحه‌دار می‌کند. قبور مطهر چهار امام و خلیفه رسول خدا(ص) که منادی علم و فضیلت و معنویت بودند و قبر مطهر برترین همسر رسول خاتم، حضرت ام‌المؤمنین خدیجه کبری (س) و بزرگ حامی قرآن و عزت، حضرت ابوطالب(ع) و قبور مطهر صدها صحابه و اولیای الهی در این قطعه از میراث بزرگ جهان اسلام است.

در دنیایی که علم، ارزش و جایگاه و قدر خود را پیدا کرده و عالمان و دانشمندان، به عنوان اسوه‌های برتر تاریخ معرفی و تجلیل می‌شوند و قبور و یادمان‌های آنان را راج می‌نهند، چه سخن می‌توان گفت درباره قبور مطهر آن بزرگانی که خود معدن علم و گنجینه کمال و شکافنده علوم الهی هستند.

هتک حرمت و تخریب قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام که خود یگانه و استوانه‌های علمی و معنوی دوران بوده و هستند، بی‌حرمتی به فرهنگ و علم و انسانیت است. سکوت در مقابل قبور مطهر و تخریب شده مخازن علم الهی و معادن حکمت خداوندی، بی‌احترامی به تمامی ارزش‌ها و کمالات است. سکوت در مقابل بی‌احترامی‌ها به بهشت ویران بقیع، هتک حرمت به تمامی ادیان و مذاهب و معنویات است.

آنهایی که به این قطعه از بهشت هتاکي کردند، بی‌حرمتی آنها نسبت به گروه با فِرقه خاصی نبود. آنها با تخریب بقیع، انسانیت، معنویت، کمال، بزرگی و علم را تخریب کردند.

تخریب صحن و بارگاه ائمه مظلوم بقیع، تخریب چهره درخشان خاتم پیامبران و حضرت مسیح و موسی‌کلیم‌الله و... بود.

تخریب صحن و بارگاه با عظمت بقیع، بی‌حرمتی به ۱۲۴ هزار پیامبر برگزیده خدا بود که برای هدایت جوامع بشری مبعوث شده بودند. چراکه صاحبان این قبور مطهر، وارثان تمامی ادیان و پیامبران و امامان بودند....

۱۰۲ سال از آزرده‌خاطر شدن قلب مبارک رسول‌خدا(ص)، موسی‌کلیم‌الله(ع) و عیسی روح‌الله(ع) می‌گذرد و متأسفانه شاهد هیچ اقدام عملی نسبت به بازسازی آن نبودیم. گرچه قلب خاتم پیامبران زمانی سوخت که در خانه حضرت زهرا(س) را آتش زدند و علی مرتضی اول وصی او را خانه‌نشین کردند. این وظیفه بر عهده کیست؟ آیا احیای میراث فرهنگی و دینی، رسالت مسلمانان و نهادهای اسلامی و بین‌المللی نبوده است؟ سکوت معنادار غربت بهشت بقیع از برای چیست؟



## واکنش‌ها به تخریب بقیع؛ از اعتراض علما تا سکوت دولت‌ها

سکوت دولت‌های اسلامی در برابر تخریب بقیع نشان از ضعف و ناتوانی آنها در دفاع از حقوق مسلمانان داشت

که با افکار پلید و متحجر و عقب‌مانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره‌های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است. این‌ها همان کسانی هستند که گذشتگان‌شان قبور ائمه (علیهم‌السلام) را در بقیع ویران کردند. آن روز که در دنیای اسلام، از شبه‌قاره هند گرفته تا آفریقا، علیه این‌ها قیام کردند، اگر این‌ها جرأت می‌کردند، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران می‌کردند، با خاک یکسان می‌کردند. ببینید چه فکر باطلی، چه روحیه پلیدی، چه انسان‌های بداندیشی، احترام به بزرگان را این‌جوری بخواهند نقض و هتک کنند و این راجز و وظائف دینی بشمرند! در آن وقتی که این‌ها بقیع را ویران کردند، این را بدانید؛ سراسر دنیای اسلام علیه این‌ها اعتراض کرد. عرض کردم؛ از شرق جغرافیای اسلام -از هند- تا غرب جغرافیای اسلام، علیه این‌ها بسیج شدند. بسیاری از فقهای معاصر نیز درباره لزوم ساختن مجدد مراقد بقیع، فتوا داده و آن را لازم شمرند؛ از آن جمله محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی و لطف‌الله صافی گلپایگانی تلاش برای بازسازی قبور ائمه در بقیع را واجب یا واجب‌کفایی دانسته و سیدعلی حسینی سیستانی از مراجع تقلید شیعه آن را جایز خوانده است.

## واکنش دولت‌ها و مردم

پس از وقوع تخریب بقیع و بعد از واکنش علما، به تبع آن دولت‌ها نیز اقدام به واکنش کرده و فعال شدند. از جمله واکنش‌های بیدارگرایانه علما ارسال نامه به حکام و دولت‌های ملل اسلامی بود از جمله نامه‌ای که فقها به احمدشاه قاجار نوشتند. نمونه‌اش نامه توسط سید محمد بهبهانی بود؛ مسلمانان ساکن در مناطق مختلف ممالک اسلامی و غیراسلامی از جمله اتحاد جماهیر شوروی سابق و همچنین مسلمانانی از کشورهای ترکیه، افغانستان، هندوستان و شبه‌قاره و چین و مغولستان با ارسال پیام‌هایی خواستار حفظ و حراست از اماکن مقدس در مکه و مدینه شدند.

افزون بر آثار فقهی و علمی، آثار هنری و ادبی از سوی شعرا و ادیبان و فقهای بزرگ در مذمت و قبح این رویداد در قالب شعر ارائه شده است که یک نمونه در اینجا آورده می‌شود:

سروده لطف‌الله صافی گلپایگانی از مراجع تقلید درباره تخریب بقیع:

خوش آن نسیم که می‌آید از کنار بقیع  
خوشا هوای روان بخش و مشکبار بقیع  
فرشتگان ز زمین می‌برند سوی بهشت  
برای غالیه حوربان غبار بقیع

اگر که طور تجلی ز صدق می‌طلبی  
بیاب گلشن روحانی دیار بقیع  
ایا که غیرت دین داری و ولایت آل  
ببار خون، عوض اشک در کنار بقیع  
خراب کرد ستم، مشهد چهار امام  
کز آن شرف به سما یافت خاکسار بقیع

قیام باید و مردانگی و همت و عزم  
که بر طرف کند این وضع ناگوار بقیع  
وگرنه تا نشود قطع دست استعمار  
جهان شیعه بود زار و دل فکار بقیع  
حرامیان به حرم‌ناکه حاکم‌اند رواست  
که مسلمین باشند شرمسار بقیع  
سلام بی‌حد و بسیار بر پیمبر و آل  
درو و افر و بی‌انتهانثار بقیع  
زیاد مرقد ویران اولیای خدا  
همیشه «لطفی صافی» است بی‌قرار بقیع

که در این زمان به عنوان نماینده مجلس در مجلس حضور داشت در سخنرانی در مجلس از دولت قاجار و دیگر مسئولان در خواست اقدام عملی کرد.

## خروش مردم در شهرهای ایران

فقهای مدینه در نامه‌ای و گزارشی از جنایات این قوم وحشی و هامل استعمار انگلیس از تنها حاکم شیعی مستقر در ایران یعنی دولت قاجاریه استمداد و یاری کرده و به محاصره خود و کشتار و تیرباران قبر مطهر رسول خدا و تخریب قبر حمزه سید الشهداء و ابن عباس اشاره کردند؛ دراین شرایط دولت انگلیس در حال عملیاتی کردن انتقال دولت از قاجار به رضاخان بود پس دولت ایران چندان نقشی جز اقدام‌های مردم موثری نداشت و سعی دولت انگلیس تکذیب خبر در ایران و سطوح دولتی بود که شهید مدرس در مجلس و علمای مراکز ولایات در مقابل این موضع به اعتراض پرداخته و مردم را آگاه کردند. علمای بلاد در ایران از جمله تبریز و همدان و اصفهان و فارس و خراسان و زنجان و گزارش‌های رسیده از شهرهای اصفهان، کرمانشاه، اراک، تبریز، اردبیل، ارومیه، مراغه، سلماس، اهر، مرند، ساوجبلاغ مگر (مهاباد کنونی)، بندرعباس، شرف‌خانه (بندر شرف‌خانه از بنادر دریاجه ارومیه و از توابع شهرستان شبستر)، ساری، بارفروش (بابل کنونی)، اشرف (بهبهر کنونی)، رشت، بندر پهلوی (بندر انزلی)، لنگرود، رودسر و لاهیجان حاکی است که مردم با تعطیلی اماکن کسب، مانند روز عاشورا اقدام به عزاداری، اجتماع در مساجد و راهپیمایی کرده .... در روشنگری واکنش‌های همسو در محکومیت این اقدام نشان دادند و مردم را نیز به تجمع و اعتراض دعوت کردند.

## مواجهه علمی علمای اهل سنت با وهابیت

در همان زمان علمای اهل سنت نیز در پاسخ به اقدام وهابیت مواضع و واکنش‌های علمی مدافعانه در مقابل وهابیت نشان دادند که از جمله آنها علمای هندوستان پس از شور مقرر کردند شیخ‌الاسلام حضرت علامه شبیر احمد عثمانی دیوبندی در مقابل شیخ آل‌سعود و سخنان او در موسم حج که به استدلال‌های اشتباه و منحرف او که به عمل خلیفه دوم بر قطع «شجره الرضوان» در جریان صلح حدیبیه استناد کرد پاسخ‌های محکم و ردیه‌های قوی ارائه کرد و گفت اگر لازم بود درخت قطع شود چرا خود رسول‌الله قطع نکرد آیا خلیفه علمش بیشتر از رسول‌الله و دلسوزی حضرت به دینش کمتر از خلیفه بود؛ علامه شبیر احمد همه استدلال‌های وهابیت را در همین جلسه پاسخ و این رفتار را غیر شرعی و منحرف اعلام کرد که شیخ سعودی نتوانست پاسخ این استدلال‌های قوی را بدهد؛ بنابراین آنچه وهابیت در آن سال‌ها مرتکب شد از نظر قاطبه علمای اهل سنت مردود شمرده شد و آنان نیز ردیه‌هایی درباره رفتارهای منحرف و مبانی فکری آنان نوشتند از جمله: الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه نوشته سلیمان بن عبد‌الوهاب برادر محمد بن عبد‌الوهاب و الوهابیه المتطرفه؛ موسوعه نقدیه (موسوعه نقد وهابیت) این کتاب در پنج جلد منتشر و مشتمل بر کتاب‌های نویسندگان اهل سنت در رد بر افکار و اندیشه‌های وهابیت است.

در استمرار تقبیح این اعمال شماری از مراجع و فقهای معاصر شیعه همچون امام خمینی نیز جهالت و انحراف فکری را عامل تخریب قبور اولیا خدا در بقیع دانسته و بر شمرند. مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند: اگر دنیای اسلام علیه تخریب‌کنندگان بقیع قیام نمی‌کرد، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران می‌کردند؛ تلخی دیگری که وجود دارد این است که در میان مجموعه مسلمانان و امت اسلامی کسانی پیدا شوند

## نواحیای هویت اسلامی

مسلمانان را با تاریخ غنی خود تقویت می‌کند

خود است، بازسازی بقیع تنها یک اقدام عمرانی نیست؛ بلکه فریادی رسا در برابر توطئه‌های دشمنان، احیای میراث معنوی امت و گامی بلند در مسیر وحدت و انسجام اسلامی است. در شرایطی که سطحی‌نگری، تمصب و تفرقه‌افکنی، چهره‌ای مخدوش از اسلام به نمایش گذاشته، بازسازی این مکان مقدس، می‌تواند نمادی از تسامح، همزیستی و بازگشت به آموزه‌های امیل و رحمانی اسلام باشد. بی‌شک، این اقدام، پاسخی کوبنده به افراط‌گرایان و مدعیان دروغین اسلام است و نشان می‌دهد که مسلمانان هرگز اجازه نخواهند داد هویت و تاریخ پرافتخارشان به دست جاهلان و مفرضان تحریف و نابود شود.

بقیع مشهورترین و مقدس‌ترین قبرستان

مسلمانان در شهر مدینه همواره مورد توجه خاص رسول‌الله (ص) بود. بسیاری از صحابه و یاران رسول خدا در آن دفن شده‌اند؛ حضرت بارها به زیارت بقیع می‌پرداخت و تاکید و توصیه به زیارت آن می‌کرد. روایات زیادی در باب فضیلت قبرستان بقیع نقل شده و این قبرستان همواره مورد توجه و احترام مسلمانان بوده است. پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به زیارت مدفونان این قبرستان می‌رفتند و استحباب زیارت این قبرستان مورد تاکید علمای شیعه قرار گرفته است. همین توجهات ویژه سبب شد این مکان یکی از مراکز مهم مظاهر تمدن اسلامی باشد که از خود برکات و آثاری جلوه می‌کرد. در قرون گذشته بر قبر ائمه (ع) در بقیع و نیز برخی از قبور دیگر در این قبرستان، گنبد و بارگاه ساخته شده بود و همین جلوه‌ها برای استعمار بسیار گران و هزینه داشت؛ پس آنان از همان آغاز با برنامه‌هایی برای نابودی آثار تمدنی اسلام توطئه چیدند؛ با ماطالعانی که داشتند از داخل فرق اسلامی گروهی افراطی را شناسایی و آنها را برای تخریب این آثار تجهیز و تحریک کردند؛ گروهی که اکنون به وهابیت بر اساس گرایش‌ها و فتواهای محمد بن عبد‌الوهاب شهرت یافته و از جهالت و تکفیر برخاسته بود، در دامن استعمار جنایاتی تمدنی زیادی مرتکب شد که نمونه‌اش تخریب بقیع و عتبات مقدس بود. این بناها با سطله وهابیت بر عرستان به ویرانه تبدیل گردید؛ این تخریب‌ها با واکنش و اعتراض وسیع مسلمانان و مراجع و علمای شیعه و اهل سنت و برخی دولت‌های اسلامی و



امیرعلی حسینی پژوهشگر تاریخ اسلام

حتی دولت‌های غیرمسلمان مواجه شد.

در مقابل این تخریب وحشیانه واکنش‌ها از جوامع اسلامی متفاوت و گسترده بود؛ جمعی از فقهای شیعه و اهل سنت فتوا دادند و جمعی مردم را به اعتراض و تجمع فرا خواندند و جمعی در مقابل این افکار که این خشونت‌ها و تکفیر را به دین اسلام می‌بستند واکنش علمی داشتند و جمعی از ادبا و شعرا و هنرمندان اشعاری در محکومیت این اعمال تکفیری و کارهای هنری تولید کردند که در جای خود به بررسی مفصل نیاز دارد؛ دامنه وسیع این واکنش‌ها در سراسر جهان بازتاب داشت؛ دولت‌های اسلامی و غیر اسلامی نیز ضمن محکوم کردن این رفتار وحشیانه غیر انسانی، ضمن محکومیت خواستار حفظ حرمت آثار مذهبی شدند. واکنش فقهای اسلامی و مراجع تقلید شیعه و علمای اهل سنت موجب آگاهی مسلمانانی شد که در مقابل گسترش این افکار و رفتارهای غیر اسلامی معترض بودند. علما به مردم و مسلمانان اعلام کردند که این جریان و افکار استعماری برای نابودی آثار تمدنی اسلام و در نهایت مانی برای پیشرفت فرهنگی اسلام است.

واکنش مراجع بزرگ شیعه در نجف از جمله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و موسس حوزه علمیه قم، آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی، از بزرگان در بین جوامع حوزوی و علمی نخستین حرکت‌هایی بود که به تعطیلی دروس حوزه و بازار منتهی شد؛ محمد خالصی زاده و سید حسن مدرس نیز به این حرمتی تکفیریان به بقیع واکنش نشان دادند و خواستار برخورد قاطع با عوامل تخریب قبور اماکن مقدس شدند. این فقها خطاب به دولت عثمانی و دیگر دولت‌ها و مسلمانان در مقابله با این رفتار وحشیانه نامه‌هایی نوشتند و اعتراض جوامع اسلامی را اعلام کردند؛ دولت عثمانی که خود در تعمیر و حفظ این آثار به جهت انتساب به رسول‌الله و اهل بیت (ع) و صحابه و بزرگان کوشیده بود با این رفتار وحشیانه تضعیف شد و این خود یکی از نشانه‌های دخالت استعمار در قضیه تخریب بقیع بود.

از جمله اقدامات و واکنش‌های علمی از طرف عالم بزرگ شیعه سید محسن امین بود که در پی تخریب اماکن مقدس اسلامی به حجاز سفر کرد و به تألیف کتاب کشف الارتیاب پرداخت تا وهابیت، تاریخ آن و اقدامات آنان را گزارش و تبیین و ماهیت آنان را آشکار کند؛ حاصل این تلاش او کتابی شد در پاسخ به اعتقادات و انحرافات فکری وهابیت و رد عقاید باطل آنها.

دانشمند بزرگ محمدجواد بلاغی نجفی نیز کتابی نوشت با عنوان «رد الفتوی بهدم قبور ائمه فی البقیع» که در این اثر به نقد مبانی فکری وهابیت درباره تخریب اماکن مقدس پرداخت. آقای بلاغی نجفی در کتاب الرد علی الوهابیه، با اتکا به احادیثی از پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع)، امام صادق (ع) و نیز با اتکا به سنت متداول میان مسلمانان از صدر اسلام به رد عقاید وهابیت در این باره پرداخته و احادیث مورد استناد آنان را غیر مرتبط با رفتار آنان اعلام کرد؛ چرا که به گفته بلاغی، در احادیث مورد استناد وهابی‌ها، ساختن بناهایی مانند دیوار بر روی قبرها ممنوع شده، نه بناهایی که قبرها را دربرمی‌گیرند. این فقیه بزرگ و عالی‌قدر در کتاب دیگری با عنوان دعوه (دعوی) الیهی الی الوریع فی الأفعال و الفتوی به فتوای تخریب بقعه‌های متبرکه واکنش نشان داد.

آیت‌الله العظمی سیدحسین طباطبایی قمی نیز از جمله مراجع شیعه بود که تا سال‌ها پس از تخریب قبور بقیع، به دنبال بازسازی قبور ائمه در بقیع بود و وزارت خارجه ایران برای تأمین خواسته وی، به مذاکره با دولت عربستان سعودی پرداخت؛ شیخ محمدحسین کاشف‌الغطا نیز در نامه‌ای خطاب به قاضی وهابیت، ضمن بیان مراتب باور شیعیان به توحید او را به مناظره و گفت‌وگوی علمی فراخواند؛ شهید مدرس